

بقلم: آقای مرتضی مدرسی چهاردهی

## تبينات و مطالعات تاريخی

### اسماعليه

۱۰ - تاريخ اسماعيليه - قرامطه - ملاحظه بسيار دلکش است ، هر گوشه‌ای از تاريخ آنها هزاران نکته باریک تر ازمو دارد گروهی از مورخان پیرو آراء و عقاید بعضی از مستشرقان قرار گرفتند ، ندانستند که حقایق تاريخی کدامست ، درست از نادرست کدام حادثه تاريخی است ؟!

۱۱ - دين اسلام در زمان قرامطه در ظاهر پائين آمد ، ودچار مشکلات بسيار گرديد «عبدالله بن ميمون» بنام مجدد دوم اين مسلك بروز کرد و یکی از نيکان اومنسوب بمذهب «پارسايان» که معتقد بوجود دو گونه نیروی تاريخی و روشنائی بود ، در چشم پزشکی بلکه متخصص بشمار ميرفت . خود عبدالله با اين حال که وارد مذهب شيعه شده بود مروج مذهب اسماعيليان گرديد .

چنانکه ميدانيم پس از وفات حضرت امام جعفر صادق عليه السلام امام ششم شيعيان مذهب شيعه بدو فرقه پخش شدند .

۱ - دسته‌ای عقیده با اسماعيل و گروه ديگر معتقد با امامت حضرت امام موسی بن جعفر عليهم السلام گشتند ، عبدالله چون از نژاد ايرانی بود آشنا بديانت زردشت گرديد در ظاهر مردم را با امامت اسماعيل دعوت ميکرد ، ضمناً تلقين ميکرد که گویا امام گاهی پنهان و زمانی آشکار ميگردد من شما را با امام پنهان دعوت ميکنم که بهمين زودی آشکار خواهد گشت .

۱۲ - از طرف عبدالله داعيان چرب زبان بهمه جاروانه گرديدند ، مردم را بدین

مسلک می خواندند و پیمان ها می گرفتند و چگونگی ورود به مسلک عبدالله موافق اصول مخصوصی بود .

۱- مقداری پول حق ورود دریافت میکردند .

۲- سخنان دانشمندان بنظر توده مردم خرافات بود و از اوهام و پندار بشمار میرفت بجز اسماعیل کسی از اسرار خلقت و احکام دیانت آشنا نیست .

۳- دوازده نفر امام نبودند بلکه منحصر به هفت نفر بودند زیرا عددهفت گانه مقدس است ، سیارات هفت گانه و آسمان و زمین هم بهمین شیوه است و امام باید که موافق عدد هفت باشد .

۴- هر هفت نفر از امامان هفت نفر معاونی دارند که آنها را شخص خاموش میگویند و آخرین نفر خاموش حضرت اسماعیل است .

۵- احادیث بی ارزش و بی اهمیت است احکام اسلام در اندک زمان لغو خواهد شد .

هر گاه کسی وارد این مسلک میگردد خوب دقت می نمودند که به بینند آیا تازه و از دایرانی است یا عرب در صورتیکه ایرانی بود مظلومیت ایرانیان را بازبان دل سوزی بیان میکردند دل های آنان را از عرب خشمگین میساختند ؟!

هر گاه تازه وارد که باصطلاح خودشان «شاگرد» از نژاد عرب بود بصورت دیگری از حکومت اسلامی بی زار میساختند گویا در آن زمان حا کمیت در ایرانیان هوشمند بود و نام خشک و میان تهی خلافت و حکومت در عرب ها بود بدین وسیله هر دو صفت را از اسلامیت دست بردار مینمودند .

۶- در آخر کار «شاگرد» را بترك نماز و روزه دعوت مینمودند ، عبدالله در «سلامیه» که از نواحی شامات بود فوت کرد و پسرش احمد بجای وی بنام «استاد اعظم» جانشین پدر گشت ، و در ترویج مرام پدر کوشید .

۱۳ - از شعبه مذهب اسماعیلیه مسلک قرامطه است که در تاریخ سید هجری قمری بنام موجد يك نفر از داعی های احمد بن عبدالله میمون «حسین» اهوازی بسوی ناحیه عراق حرکت کرد و بريك نفر ملقب به «قرمط» مهمان گشت بر اهنمایی میزبان خویش ماهرانه به نشر مسلک خود پرداخت بتدریج مرام اباحی گری و مادی گری را بافکار پیروان خود تلقین نمود و چنین معتقداتی را انتشار داد.

۱۴ - ثروت تمام روی زمین از آن امام است تا هنگامی که بستگی با امام دارد اموال جزئی که در تصرف مردم است چندان ارزشی ندارد مال من و مال تو غلط است، چه ثروت برای نیازمندی هر يك از افراد است، هر کس میتواند که ثروت را خرج کند.

با انتشار این گونه اندیشه ها آشکارا واجبات دینی را ترك نمودند و از حدود اسلام بیرون رفتند و دیانت شریف اسلام را تباہ ساختند، بیشتر مردم از ترس کشت و کشتار و تاراج برای نگاهداری ثروت و زن و فرزند خود مجبور شدند که وارد مسلک قرمطی گردند و یا آشکارا طرفدار و بلند گوی مشرب تازه شوند.

۱۵ - چیزی برای استوار ساختن تشکیلات مادی گری و اباحی گری لازم بود، این بود که دژ استوار و محکمی بنا سازند تا از گزند لشکر اسلام در امان باشند در اندک زمانی «سواد» را برای این کار برگزیدند، سنگ های بزرگ از همه جا آوردند، حصار استوار و متین بنا نهادند و نام آنرا «دارال هجرة» گفتند، همه مردم از ایشان ترسناک شدند، اینان از کسی واهمه نداشتند بیشتر مردم بایشان پیوستند

۱۶ - قرامطه بهمه جا داعیان سخن پرداز فرستادند و به منطقه «بحرین» يك نفر بنام حسن بن بهرام جنابی «چون در شهر جناب از سواحل خلیج فارس تولد یافته بود او را جنابی گفتندی» فرستادند.

در همان تاریخ با ابوسعید المعتضد خلیفه جنگ سختی آغاز شد و ابوسعید فاتح گشت.

۱۷ - در تاریخ سیصد و سیزده هجری قمری ابوطاهر نام با نیروی کامل بسوی مکه هجوم کرد و در موسم حج غلبه یافت و داخل شهر مقدس گشته حاجیان را کشت، زنان را اسیر نمود، در هنگام کشتار بی رحمانه خود ابوطاهر آیه مبارکه «و من دخله کان آمناً» را مسخره میکرد و به ستم دیدگان میگفت آن جایگاه امن و امان کجا است و شما را در اندرون حرم می کشم!؟ فریادهای هولناک مردم را هر اسناک مینمود و شش روز تمام سر گرم کشت و کشتار گردید ثروت مسلمانان را بتاراج بردند و اسیران را در میان قرمطی ها پخش کردند.

۱۸ - بعضی از مورخان نوشته اند در حدود هفتاد هزار نفر از بیچارگان در آن گیر و دار تلف شدند و این سخن مورد اعتماد نیست، چه دکتر دوزی هلندی مستشرق معروف در کتاب خود «تمدن اسلام» این گفته را نوشت بقول دانشمندار جمند شادروان شیخ قاسم واعظ مهاجرانی در کتاب بسیار نفیس خود «تمدن اسلام» فرماید که دوزی از مردم باغرض است که اعتماد بگفته او نتوان کرد.

ولی همین اندازه روشن است که این واقعه تأسف انگیز تاریخی از جمله فلاکت های تاریخی و از بزرگترین مصیبت های اسلامی بشمار میرود.

۱۹ - حجر الاسود را از جایگاه مقدس کردند و بمرکز قرامطه که دارالهیجره میگفتند بردند. در اثر انتقال حجر الاسود جامعه اسلامی دل خون شد در آسیا و آفریقا مسلمانان نسبت به قرمطی ها بدبین شدند و آنان را بی دین و بی بندوبار دانستند. دولت ها و حکومت های اسلامی را وادار ساختند که با آنان از در جنگ وارد گردند. پس از این حوادث در مکه قرمطی ها خیال کردند که مسئله حج زیارت خانه خدا بکلی از میان رفت و هدف عالی اسلامی متروک گشت، چنانکه میدانیم اصل ایمان و حقیقت اسلام سست نگردید و معنویت آن دین الهی بلباس دیگر و بصورتی جلوه گر گردید، مسلمانان بزیرت شهر مقدس مکه باقر سابق حاضر میشدند و بجای

حجرالاسود جایگاه مخصوص را دست زده و می بوسیدند .

۲۰ در حدود سال سیصد و سی هجری قمری برای حاجیان مبلغ معینی حق ورودی به شهر مکه قرار گذاشتند و با پرداخت آن وجه حاجیان می توانستند به مکه وارد شده و مراسم حج را بجای آورند .

۲۱ - ستم کاری قرمطی ها تا حدود سال سیصد و نود شش هجری بود در آن تاریخ در آفریقا « مصر » يك نفر شهریار فاطمی بنام « الحاکم بالله محمد » به تخت سلطنت رسید باسیمای شکفت انگیز و قیافه عجیب وارد سیاست گردید و متصدی امرر خلافت اسلامی شد !!

خدمات بسیار بجهان شیعه و دیانت اسلام نمود ، دوره زندگانی و تاریخ حیاتش بدو قسمت میگردد ، دوره اول نزدیک بچهار صد و هفده هجری قمری است که شیعه خالص و مفرط و مروج مذهب بود . پس از انحطاط اسلامی این شخص تاریخی دیانت کامل الهی را انتشار داد و فروغی در دل مسلمانان افکند بجهانیان نشان داد که معنویت اسلام را حافظ غیبی هست در هر قرن و زمان نگهبانی خواهد بود و همیشه از تجاوزات اشرار اسلام را نگاه خواهد داشت بوسیله هر کس که باشد وبهمراهی هر فردی که قرار باشد اوهام و خیال فاسد را درملت اسلام از بین خواهند برد ، نقدیر آسمانی باتدبیر انسان موافق نخواهد بود !!!

۲۲ - الحاکم نمایندگان روحانیان مذاهب گوناگون را احضار کرد و در جلسه عمومی برایشان اعلام نمود که چهارصد سال است جد من محمد بن عبدالله (ص) با اجداد شما بعنوان دعوت دیانت اسلام ابلاغ فرمود ایمان بیاورید ولی ایشان در پاسخ محمد (ص) گفتند که اکنون همان رسول موعود نیامده و مبعوث نگردید !! اینک من بشما میگویم که آن پیامبر موعود در تورات و انجیل همان بزرگواری بود که اجداد شما بوی ایمان نیاوردند یا من همان شخص هستم که نامم محمد

است !!! و از اخلاف آن بزرگوارم بواسطه من بدیانت مقدس اسلام ایمان آورید و گرنه شما را کشته و کلیسا و کنیسه شما را خراب خواهم کرد پس از ابلاغ بسیاری از مردم مصر و اطراف آن سامان از ملل مختلف بدین اسلام وارد شدند ، گروهی هم چون اسلام را باور نداشتند کشته و یا تبعید گشتند ، بار دیگر دیانت اسلام بصورت معنوی خود آشکار گردید .

۲۳ - بعضی از مورخان فرنگی و یا مورخان مسیحی بجنون این شخص تاریخی حکم دادند « والحاکم بالله محمد » را دیوانه پنداشتند !! برای اینکه با مسیحیت مخالف بود و اسلام را ترویج میکرد !! راستی تاریخ را بازیچه خود پندارند !! دکتر دوزی هلندی از دانشمندان بزرگ مادرید در جلد دوم « تاریخ تمدن اسلام » ص ۳۷۰ نوشت الحاکم بالله محمد سلطان مصر در اوایل دوره دوم زندگانی خود دیوانه شد ولی دانشمند ارجمند شادروان شیخ قاسم « واعظ مهاجرانی » در کتاب خود « تمدن الاسلام » عقیده دارد که با مراجعه دقیق در اوضاع و احوال شهریار فاطمی و مقتضیات آن زمان آنچه از « الحاکم » سرزده و بروز نمود در برابر ستم کاری های جهان مسیحیت نسبت بمسلمانان یک نوع حکم عادلانه و خردمندانه بود .

۲۴ - کارهای این شخص تاریخی « الحاکم بامر الله » از ترویج هیانت اسلام و اجرای احکام دینی ، خراب کردن کلیسا و کنیسه ها بود ، کتابهای انجیل و تورات را پریشان کرد و بدست عطاران سپرد که در هنگام حنا فروشی از اوراق آن ها استفاده نمایند !!

شراب فروشی را جلو گیری کردند تا آنجا که کشمش را در خرید و فروش ممنوع کرد !! ، قمار را با تمام اقسامش جلو گیری نمود جایگاه تفریحات عمومی را بست !! تمام زنان را مجبور نمود از بازار و مجامع عمومی گذر نکنند !! زنان در انظار عمومی نمایان نگردند ، در صورت تخلف دستور کشتن و مجازات میداد ،

بعضی از مورخان در باره زنان آن عصر می نویسند شهریار فاطمی ستم روا داشت چرا آنان را از انجمن ها و مجامع عمومی بازداشت؟! ، این گونه کارهای سخت و مراقبت دقیق در اجرای احکامی الحاکم بامرالله را مورخان بیگانه نسبت جنون دادند و مورخان ماهر بدون دقت و توجه پیر و مورخان بیگانه شدند و در باره تاریخ داوری درستی نمودند .

۲۵ - آنچه لازم است در باره الحاکم بالله محمد نوشت این است که در آن زمان وحشت و تنزل اسلام شهریار فاطمی قدم در عالم سیاست گذاشت و زمام امور سلطنت را در دست گرفت، قد خمیده اسلامیان را کاملاً راست نمود و حجر الاسود را از دارالهیجرة قرامطه «سواد» بمرکز اصلی خود بازگردانید و اعمال حج را رسم کرد و جهان اسلام را رونق تازه و فروغ بی اندازه بخشید و بتمام ملل زنده آن عصر قبولانید که اسلام دیانت جهانی و همیشگی و جاودانی است .

عامل «حمص» بعمر عبدالعزیز نبشت که دیوار شهرستان حمص خراب گشته ، عمارت باید کرد چه فرمائید؟ خلیفه در پاسخ نبشت که : شهرستان حمص را از عدل دیوار کن و راهها از ظلم و خوف پاک دار ، که حاجت نیست بگل و خشت و سنگ و گچ .  
(خواجۀ نظام الملك حسن طوسی)